یادداشت

پاییز عدم قطعیت

ادامه از صفحه اول

گزارشی که رویترز در ۱۷ آگوست منتشر کرد، از فشار شدید جنگ بر اقتصاد و معیشت ایران، تورم بالا و کاهش قدرت خرید سخن می‌گوید. اینها نشان می‌دهند که ظرفیت داخلی برای تحمل یک دوره طولانی عدم‌قطعیت نامحدود نیست.

در چنین شرایطی، بزرگ‌ترین خطر این است که «اقتصاد بقا» از یک واکنش اضطراری به شیوه دائمی اداره اقتصاد تبدیل شود. کشور ممکن است دوام بیاورد، اما با مصرف تدریجی سرمایه مالی، انسانی، اجتماعی و زیرساختی خود.

سناریوی سوم؛ بازگشت به لبه

سناریوی سوم، بازگشت سریع چرخه تشدید است. لزومی ندارد هیچ‌یک از طرف‌ها رسما تصمیم بگیرند جنگ گسترده دیگری آغاز کنند. یک حادثه در هرمز، حمله به زیرساختی حساس، اشتباه در تشخیص نیت طرف مقابل یا شکست یک کانال میانجیگری می‌تواند مجموعه‌ای از واکنش‌ها و ضدواکنش‌ها را فعال کند.

همین روزها، درحالی‌که تلاش‌های دیپلماتیک جریان دارد، یک نفتکش در محدوده هرمز با پرتابه‌ای ناشناس هدف قرار گرفته و عبور کشتی‌ها همچنان بسیار پایین‌تر از وضعیت عادی گزارش می‌شود.

این همان چیزی است که در مطالعات راهبردی از آن با عنوان پویایی تشدید یاد می‌شود. جنگ‌های بزرگ همیشه با تصمیمی بزرگ آغاز نمی‌شوند. گاهی مجموعه‌ای از تصمیم‌های کوچک و ظاهرا عقلانی، بازیگران را به نقطه‌ای می‌رساند که هیچ‌کدام در ابتدا قصد رسیدن به آن را نداشته‌اند. به همین دلیل، خطر اصلی فقط «قصد جنگ» نیست؛ احتمال خطای محاسباتی نیز بخشی از آینده است. آینده قبل از رسیدن، علامت می‌فرستد.

مزیت سناریونویسی این است که می‌توان برای هر آینده مجموعه‌ای از علائم هشدار تعریف کرد. در هفته‌ها و ماه‌های آینده، پنج شاخص ارزش رصد مستمر دارند:

- رفت‌وآمد میانجی‌ها: افزایش نقش قطر، عمان، پاکستان یا دیگر بازیگران می‌تواند علامتی از حرکت به‌سوی سناریوی نخست باشد.
- ماهیت فشار اقتصادی آمریکا: مهم است که مشخص شود تهدید تحریم‌های ثانویه تا چه حد به اقدام عملی علیه شرکای بزرگ تجاری ایران تبدیل می‌شود.
- ترافیک تنگه هرمز: افزایش پایدار عبور نفتکش‌ها می‌تواند از کاهش ریسک حکایت کند؛ استمرار وضعیت کنونی برعکس، نشانه ماندگاری بحران است. داده‌های ۲۷ آگوست همچنان عبور کشتی‌ها را پایین‌تر از میانگین روزهای اخیر نشان می‌دهد.
- تعداد برخوردهای محدود نظامی: افزایش حوادث کوچک ممکن است پیش از یک بحران بزرگ دیده شود.
- و سرانجام رفتار اقتصاد داخلی ایران: از انتظارات ارزی و سرمایه‌گذاری تا تصمیم بنگاه‌ها و خانوارها. اقتصاد گاهی تغییر در انتظارات نسبت به آینده را زودتر از بیانیه‌های سیاسی نشان می‌دهد.

مسئله ایران، پیش‌بینی نیست

ممکن است یکی از این سه سناریو رخ دهد، ممکن است عناصر چند سناریو با یکدیگر ترکیب شوند و ممکن است اتفاقی رخ دهد که امروز در هیچ‌یک از آنها جای نداشته باشد. به همین دلیل، سیاست عقلانی نباید بر این فرض بنا شود که ما می‌دانیم کدام آینده اتفاق خواهد افتاد.

در آینده‌پژوهی مفهومی وجود دارد به نام راهبرد مقاوم؛ سیاستی که تنها در صورت تحقق یک پیش‌بینی خاص موفق نباشد، بلکه در چند آینده متفاوت همچنان ارزش خود را حفظ کند.

برای ایران نیز مسئله دقیقا همین است. اگر دیپلماسی گشایش ایجاد کرد، آیا می‌توان از آن برای بازسازی ظرفیت اقتصادی استفاده کرد؟

اگر فرسایش طولانی شد، چگونه می‌توان آسیب‌پذیری اقتصاد، انرژی، تجارت و زیرساخت را کاهش داد؟

و اگر دوباره خطر تشدید بالا رفت، چه سازوکارهایی می‌تواند احتمال خطای محاسباتی و آسیب به زیرساخت‌های حیاتی را کم کند؟

راهبرد خوب، راهبردی نیست که آینده را درست حدس بزند؛ راهبردی است که در چند آینده متفاوت قابل دفاع باقی بماند.

پاییز، آزمون پیش‌بینی نیست. شش ماه پس از آغاز جنگ، منطقه به نقطه عجیبی رسیده است. رویترز وضعیت کنونی را یک بن‌بست پرهزینه توصیف کرده است: فشار اقتصادی افزایش یافته، کشتیرانی در هرمز همچنان مختل است و در همان حال نشانه‌هایی از تلاش دوباره برای میانجیگری دیده می‌شود.

در چنین شرایطی وسوسه پیش‌بینی بسیار زیاد است: مذاکرات آغاز می‌شود یا نمی‌شود؟ جنگ بازمی‌گردد یا نه؟ تحریم‌ها مؤثر خواهند بود یا شکست می‌خورند؟

اما شاید پرسش مهم‌تری وجود داشته باشد. اگر نمی‌توانیم با اطمینان بدانیم پاییز چه خواهد آورد، آیا برای بیش از یک پاییز آماده‌ایم؟ آینده‌پژوهی دقیقا از همین نقطه آغاز می‌شود؛ نه با ادعای دانستن آینده، بلکه با پذیرفتن عدم‌قطعیت و ساختن گزینه پیش از آنکه گزینه‌ها از دست بروند؛ زیرا در نهایت، کشورها معمولا زمانی غافلگیر نمی‌شوند که آینده غیرقابل‌پیش‌بینی است؛ زمانی غافلگیر می‌شوند که تنها برای یک آینده آماده شده‌اند.

گزارش میدانی «شرق» از افزایش تعداد زنان در پاتوق‌های مصرف مواد مخدر و بالارفتن شمار زنان میانسال کارتن‌خواب

زنان میانسال، تازه‌واردان «ته‌خط»

نسترن فرخه: زنان و مردان منظم در صفی ایستاده‌اند، به نوبت جلو می‌روند، هرکدام به اندازه پولی که دارند هروئین می‌خرند و همان‌جا شروع به مصرف می‌کنند. میان آنها زنانی هم دیده می‌شوند که ظاهرشان هنوز شباهت چندانی به دیگر زنان کارتن‌خواب این منطقه ندارد؛ زنانی که در مقایسه با سال‌های قبل، حضورشان به‌عنوان تازه‌وارد به پاتوق‌ها بیشتر به چشم می‌خورد.

این زنان معمولا با خودروهای شخصی خود فقط برای تهیه مواد به این مناطق می‌آیند. به گفته مددکاران این منطقه، معمولا آنها یک روند مشابه طی می‌کنند. ورود برخی از آنها به پاتوق اوایل فقط برای خرید مواد مخدر است، اما به‌تدریج خانه و سرپناه خود را از دست می‌دهند و ماشین‌خواب می‌شوند و در ادامه ممکن است همان ماشین را هم از دست بدهند؛ مسیری که به گفته مددکاران، گاهی در فاصله چند هفته طی می‌شود. سپیده علیزاده، بنیان‌گذار مجموعه کاهش آسیب نور سپید هدایت است. او سال‌هاست از وضعیت پاتوق‌ها خبر دارد و برای کمک به این زنان آسیب‌دیده فعالیت می‌کند. او از وضعیت بعد از جنگ این پاتوق‌ها برای «شرق» توضیح می‌دهد و می‌گوید که پس از جنگ ۴۰روزه حضور زنان میانسال در پاتوق‌ها بیشتر از قبل شده؛ زنانی که پیش از این زندگی معمولی داشتند و برخی از آنها حتی مصرف‌کننده مواد نبودند، اما شدت فشارهای اقتصادی و نبود حمایت اجتماعی آنها را به‌تدریج به این پاتوق‌ها رسانده است؛ فضایی که آنها را با شیب تند اعتیاد روبه‌رو خواهد کرد.

عکس: فروغ طاهرخانی، باشگاه خبرنگاران جوان

زنان تازه‌وارد به پاتوق

مردی خودش را در دل تخته‌سنگی بزرگ جا داده و مشتی اسکناس و یک کارت‌خوان سیار جلوی خود گذاشته است. روبه‌روی حفره سنگی تنگ و تاریک، زنان و مردان در صفی منظم ایستاده‌اند و منتظرند تا به نوبت چیزی را که خودشان به آن دوا می‌گویند، بخرند.

بیشتر آنها بعد از خرید، بدون معطلی، گوشه‌ای از این بیابان کنار هم می‌نشینند، با احتیاط پودر سفید را روی زرورقی می‌ریزند و با فندک آتشی زیر آن روشن می‌کنند. اینجا بیابانی نزدیک بزرگراه آزادگان است؛ جایی با پاتوق‌های دور از هم و مسیری که جز مصرف‌کننده‌های مواد کسی پا در آن نمی‌گذارد. کنار این صف، به دیواری نیمه تخریب‌شده پارچه‌ای رنگ‌ورفته آویزان شده که پشت آن‌هم عده‌ای دیگر در حال مصرف‌اند. میان آنها زنی ایستاده که با صدای بلند حرف می‌زند، جملات درهمی که بعضی از آنها معنی خاصی هم ندارند و کسی هم چندان توجه‌ای به حرف‌هایش ندارد. مددکار او را با دست نشان می‌دهد و می‌گوید: «هنوز مانند بقیه آدم‌های پاتوق ته‌خطی نشده و در ماشین خودش زندگی می‌کند». کمی بعد که آرام می‌شود، لوله فلزی را گوشه لبش می‌گذارد و سوار سایتای سفیدش می‌شود و همراه مصرف‌کننده دیگری که مردی میانسال است، از پاتوق دور می‌شوند.

مددکار از زنان دیگری می‌گوید که به همین شیوه وارد پاتوق می‌شوند: «داستان بیشتر آنها از یک جایی به بعد شبیه هم می‌شود. اوایل فقط برای تهیه مواد اینجا می‌آیند، بعد کم‌کم ماشین‌خواب می‌شوند و در همین پاتوق‌ها می‌مانند». صف خرید هروئین همچنان پابرجاست. چند زن و مرد که زیر سایه سنگی بزرگ نشسته‌اند، از دختر جوانی می‌گویند که چند هفته قبل در همین اتاقک‌های وسط بیابان زایمان کرد: «بچه‌اش همین‌جا در پاتوق به دنیا آمد، اما از همان روز تا الان ناپدید شده». صدای مردی که چهره‌اش را بین دیگر مصرف‌کنندگان پنهان کرده بلند می‌شود: «از ترس بهزیستی گم‌وگور شده. میگن بچه هم معتاد به دنیا اومده، ولی فعلا کسی ازش خبر نداره». پیگیری برای پیداکردن این نوزاد بی‌نتیجه می‌ماند و حتی رفتن به اتاقکی در جاده‌های فرعی بزرگراه که همه گفته بودند این مادر و نوزاد از ترس بهزیستی آنجا مخفی شده‌اند، فایده‌ای ندارد.

ماشین‌خوابی جدیدی‌ها

انتهای این جاده خاکی زن و مرد دیگری زیر آفتاب تیز سوار بر ماشین‌اند. نشان اعتیاد بر چهره هر دو دیده می‌شود، اما هنوز ظاهر زن کمترین شباهت را به کارتن‌خواب‌های این منطقه دارد. اول مرد سوار بر پراید سرمه‌ای به راه می‌افتد، با دست از پنجره به زن علامت می‌دهد و زن با کوییک سفید پشت پراید گاز می‌دهد. مددکار می‌گوید: «چهره هر دو را دیدی؟ هنوز چهره زن کامل نریخته بود. با هم قرار گذاشتند تا جایی بروند. اینجا آدم‌هایی را دیده‌ایم که در عرض چند هفته به طور کامل ته‌خطی شده‌اند. اعتیاد یک‌دفعه آدم را می‌اندازد و ما در این فضا بارها شاید چنین مواردی بودیم». آفتاب عمود ظهر، بیشتر سایه‌های این بیابان را از بین برده است، اما همچنان آدم‌های جدید به این صف اضافه می‌شوند و همه همان‌جا مشغول مصرف می‌شوند. کنار آنها چند خودروی شاسی‌بلند در رفت‌وآمدند. چند دقیقه یک بار دور می‌زنند و دوباره به همین پاتوق می‌رسند. مددکار دلیل حضور آنها را توضیح می‌دهد: «این اطراف کارگاه زیاد است و بعضی از این ماشین‌ها برای رفتن به کارگاه‌ها اینجا دیده می‌شوند، اما بقیه آنها، مخصوصا ماشین‌هایی که دور پاتوق می‌گردند تا در فرصت مناسب پیاده شوند، فقط برای خرید مواد اینجا هستند». هنگام خروج از منطقه، همچنان ماشین‌های مختلفی به چشم می‌خورند که تنها دلیل حضورشان در این بیابان، اعتیاد است؛ آدم‌هایی که در شروع مسیری هستند که خود کارتن‌خواب‌ها به آن ته‌خط می‌گویند.

افزایش زنان میانسال در پاتوق‌ها

آمار دقیق و به‌روزی از تعداد زنان کارتن‌خواب تهران در دست نیست. اما سیر داده‌های سال‌های اخیر از افزایش کارتن‌خوابی در تهران خبر می‌دهد. بر اساس اعلام شهرداری تهران در سال ۱۴۰۰، حدود ۲۴ هزار کارتن‌خواب و فرد بی‌خانمان در تهران شناسایی شده بودند. در دی ۱۴۰۳ هم افزایش تماس‌های مردمی درباره ساماندهی «خانواده‌های بی‌خانمان» در تهران، از گسترش ابعاد این مسئله خبر می‌داد. در مهر ۱۴۰۴ سخنگوی شورای شهر تهران بر افزایش شمار معتادان متجاهر در برخی مناطق پایتخت تأکید کرد. با وجود نبود داده‌ای که بتوان بر اساس آن روند افزایش حضور زنان در پاتوق‌ها را به‌طور دقیق اندازه‌گیری کرد، طبق گفته فعالان حوزه آسیب اجتماعی تشدید فشارهای اقتصادی، مخصوصا بعد از روزهای جنگ که بسیار مشهود است، به تنهایی می‌تواند یکی از دلایل اصلی این افزایش باشد. اما نکته مهم موضوعی است که از سوی سپیده علیزاده، مددکار اجتماعی، عنوان می‌شود. به گفته او در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از جنگ ۴۰روزه، حضور زنان، مخصوصا زنان میانسال در پاتوق‌ها بیشتر دیده می‌شود. اگر مسئله این زنان هنگام ورود اعتیاد نباشد هم به دلیل حضور در این فضا، به سرعت درگیر خواهند شد.

علیزاده به تفاوت نوع آسیبی که حالا در پاتوق‌ها می‌بیند اشاره می‌کند و در مورد این تغییر شکل آسیب می‌گوید: «در سال‌های گذشته، بیشتر زنانی که در پاتوق‌ها دیده می‌شدند، از پیش درگیر اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی بودند، اما حالا با گروه دیگری از زنان مواجهیم؛ زنانی که گاه تا میانسالی زندگی نسبتا معمولی داشته‌اند، خانواده و فرزند داشته‌اند و حتی پیش از ورود به این فضا، مصرف‌کننده مواد نبوده‌اند. بنابراین به‌نظر می‌آید فقر یکی از عوامل جدی ورود زنان به پاتوق‌هاست. نداشتن هزینه برای تهیه مسکن، زنان را به سمت زندگی در فضاهایی می‌برد که پیش از این تصور نمی‌شد محل زندگی آنها باشد. همین باعث شده مددکاران اجتماعی با مواردی از زندگی خانوادگی در خودرو، وانت یا فضاهای موقت مواجه شوند. در مواردی، زنانی که خودرو دارند به‌جای اجاره خانه، در همان خودرو زندگی می‌کنند و به‌تدریج در صورت درگیرشدن با مصرف مواد، وارد چرخه‌ای می‌شوند که خروج از آن بسیار دشوار است».

این مددکار که سال‌های بسیاری است در پاتوق‌های مختلف سطح شهر فعال است، از زنی می‌گوید که تازه وارد این فضا شده است: «هنوز ظاهر این زن به دلیل مصرف مواد نریخته و در خودروی شخصی‌اش هروئین مصرف می‌کند. چنین زنانی ممکن است در فاصله‌ای کوتاه بخش مهمی از داشته‌های خود را از دست بدهند؛ از مدارک هویتی و پول تا خودرو و در نهایت سلامت و ظاهرشان که در بیشتر موارد برگشت‌ناپذیر است». او به آسیب‌های بیشتر برای زنان مصرف‌کننده اشاره می‌کند که مسیر آسیب برای زنان در بسیاری از موارد با سرعت بیشتری طی می‌شود: «زنان تازه‌وارد ممکن است در مدت کوتاهی همه انواع خشونت را تجربه کنند، هرچه بیشتر در این چرخه فروبروند، امکان بازگشتشان کمتر می‌شود. در میان زنانی که در این سال‌ها دیده‌ام، فقر و فقدان سرپناه امن یکی از عوامل مهم ورود به این فضاها بوده است. برخی زنان که الان هم بیشتر به چشم می‌خورند حتی مصرف‌کننده مواد نیستند، اما به دلیل بی‌خانمانی در پاتوق‌ها زندگی می‌کنند و همین شرایط آنها را در معرض آسیب‌های بعدی قرار می‌دهد».

علیزاده در ادامه به خانواده‌هایی اشاره می‌کند که همراه با فرزندشان در خودرو زندگی کرده‌اند: «یک زن و مرد همراه کودک خردسالشان در خودرویی زندگی می‌کردند و وضعیت کودک به اندازه‌ای نامناسب بود که در نهایت با مداخله اورژانس اجتماعی و تأیید شرایط پرخطر، کودک به بهزیستی منتقل شد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد مسئله فقط کارتن‌خوابی یا اعتیاد نیست، بلکه مجموعه‌ای از مشکلات است که می‌تواند یک خانواده را قدم‌به‌قدم به سمت بی‌خانمانی و آسیب سوق دهد».

این مددکار اجتماعی از سرعت بیشتر تخریب زنان به دلیل اعتیاد می‌گوید که بعد از مدتی دغدغه اصلی زنان کارتن خواب می‌شود: «همان‌طورکه گفتم، زنان در پاتوق‌ها با سرعت بیشتری نسبت به مردان در معرض انواع آسیب قرار می‌گیرند. یکی از نشانه‌های این تفاوت در وضعیت جسمی و ظاهری زنان است. از دست دادن دندان‌ها می‌تواند در مدت کوتاهی موقعیت یک زن را تغییر دهد. زنی که پیش‌تر به دلیل ظاهرش فرصت‌های بیشتری برای کسب درآمد داشته، پس از از دست دادن دندان‌ها و تغییر چهره، ممکن است با سرعت بیشتری از چرخه‌های معمول خارج شود و به شکل عمیق‌تری در آسیب فروبرود. حتی زنانی را دیده‌ام که انگیزه اولیه‌شان از برخی کارها تأمین هزینه دندان‌پزشکی بوده است. اما هزینه بالای درمان و شرایط اقتصادی باعث شده این هدف دست‌نیافتنی بماند و وضعیت آنها به‌جای بهبود، وخیم‌تر شود. زنان در این فضاها به شکل‌های مختلفی در معرض خشونت قرار دارند. پراکنده‌شدن پاتوق‌ها وضعیت زنان را دشوارتر کرده است. با طرح‌های جمع‌آوری، افراد به نقاط دورافتاده‌تر و کمتر در دسترس رانده می‌شوند؛ فضاهایی که دسترسی به خدمات کاهش آسیب در آنها دشوارتر و امنیت زنان کمتر است. در خود پاتوق‌ها زنان معمولا قدرت کمتری برای دفاع از خود دارند. درگیری، سرقت، خشونت و سوءاستفاده در این فضاها اتفاق می‌افتد و زنان در زمان وقوع درگیری، امکان فرار یا دفاع کمتری دارند».

طبق تجربه کاری علیزاده در سال‌های اخیر و مخصوصا بعد از جنگ ۴۰روزه با افزایش زنان میانسال در پاتوق‌ها روبه‌رو شده و می‌گوید: «طبق مشاهدات میدانی ما، قبلا بخش قابل توجهی از روایت‌ها مربوط به دختران جوانی بود که به دلایل مختلف وارد چرخه آسیب می‌شدند؛ اما حالا زنانی را می‌بینیم که تا میانسالی تلاش کرده‌اند زندگی خانوادگی خود را حفظ کنند ولی به دلایل مختلف نتوانسته‌اند و به سمت تن‌فروشی یا مصرف مواد سوق داده شده‌اند. دیدن زن میانسالی که هنوز زندگی خانوادگی دارد اما برای تأمین معاش به این مسیر کشیده شده، یکی از تلخ‌ترین تغییرات سال‌های اخیر است. این زنان الزاما از خانواده‌های سابقا آسیب‌دیده نمی‌آیند؛ برخی از آنها تا پیش از ورود به این چرخه، زندگی عادی داشته‌اند. اگر حمایت‌های اجتماعی در مراحل اولیه شکل نگیرد، چرخه آسیب هر روز گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود. زنی که امروز به دلیل نداشتن خانه در خودرو زندگی می‌کند، اگر حمایت نشود ممکن است فردا خودرویش را هم از دست بدهد؛ اگر مصرف‌کننده باشد، ممکن است وارد پاتوق شود و در معرض خشونت و سوءاستفاده قرار گیرد و در نهایت اگر هیچ مداخله مؤثری اتفاق نیفتد، مسیر بازگشت برایش بسیار دشوارتر شود».

علیزاده از زمان طلایی برای هر مصرف‌کننده می‌گوید؛ زمان طلایی وقتی است که فرد درگیر اعتیاد تصمیم به ترک می‌گیرد و توضیح می‌دهد: «این تصمیم ممکن است فقط چند ساعت دوام داشته باشد. اگر فرد همان زمان به مرکز درمانی یا خدمات حمایتی دسترسی پیدا نکند، گرسنگی، تشنگی، نیاز به مواد یا بازگشت به محیط قبلی می‌تواند تصمیمش را تغییر دهد. مشکل اما این است که مسیر درمان داوطلبانه برای بسیاری از این افراد ساده و سریع نیست. فردی که پول کافی برای درمان ندارد، ممکن است با هزینه‌های سنگین مراکز درمانی مواجه شود. از سوی دیگر، فرایندهای اداری و محدودیت پذیرش برخی مراکز باعث می‌شود بین تصمیم فرد و امکان دریافت خدمات فاصله ایجاد شود و زمان طلایی هم از بین برود. در حالی که برای درمان اجباری، منابع و سازوکارهای مشخصی وجود دارد، مسیر درمان داوطلبانه و حمایتی همچنان با کمبود امکانات مواجه است. یعنی کسی که خودش برای کمک‌گرفتن اقدام کرده شاید به دلیل نبود ساز و کار کافی دوباره مجبور شود به همان آدم‌ها و مکان‌های آسیب بازگردد. در حالی که برای طرح‌های اجباری و ضربتی که نتیجه عکس دارد چنین بروکراسی‌های وجود ندارد».

با این حال آمار دقیقی از افزایش حضور زنان در پاتوق‌ها وجود ندارد، اما مشاهدات میدانی و بررسی‌های مددکاران فعال در این مناطق گواهی بر آن است که حضور زنان کارتن‌خواب روندی افزایشی به خود گرفته که در ماه‌های اخیر این روند بیشتر شده است.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه
مالکان ساختمان F۳ واقع در مجتمع مسکونی آبشار (نوبت اول)

مالکین محترم ساختمان F۳ واقع در مجتمع مسکونی آبشار به آدرس تهران، بلوار نهاوند، کوچه کیوان، جنب رزمال جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه در تاریخ ۲۰ شهریور ماه ۱۴۰۵ ساعت ۱۰ صبح در محل سالن اجتماعات تشکیل خواهد شد. لذا بدینوسیله از کلیه مالکین محترم یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می‌شود تا با همراه داشتن اصل کارت ملی و یا اصل وکالتنامه رسمی در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۴۰۴ ۲-استماع گزارش بازرس در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۴۰۴ ۳- تصویب صورت‌های مالی سال منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۴۰۴ ۴- انتخاب اعضاء هیئت مدیره و علی البدل ۵- انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل ۶- سایر موارد قابل طرح که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالانه می‌باشد.

هیئت مدیره برج F۳ مجتمع مسکونی آبشار

دانشنامه کارشناسی رشته مهندسی هوافضا
صادره از دانشگاه صنعتی امیرکبیر
متعلق به آقای **علی اشکانی نیا** فرزند محمدولی
به کد ملی ۰۹۲۴۱۵۴۱۴۴
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پراید سفید مدل ۱۳۸۸
به شماره پلاک ۸۵ایران ۸۲۷ص۳۹
شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۰۸۶۱۰۳
و شماره موتور ۳۲۱۴۷۱۸
به نام **بنیامین گمشادزهی** با کد ملی ۳۶۱۱۲۸۷۱۸۰
در ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو وانت پیکان سفید روغنی
مدل ۱۳۸۰ به شماره پلاک ۲۸ایران ۱۹۵ل۱۳
شماره شاسی ۸۰۹۰۶۳۸۳
و شماره موتور ۱۱۵۸۰۰۶۲۲۸
به نام **سعید بخشی** با کد ملی ۳۹۳۴۵۳۴۱۱۲
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز موتورسیکلت لیفان ۱۳۵ رنگ قرمز
مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۸۵۷ایران ۴۲۶۸۱
شماره شاسی NC۵GBLMEENAZ۴۲۱۰۱
شماره موتور ۰۱۳۵NC۵۰۵۳۲۲۹
به نام **سیدحمیدرضا ساعت‌چی** با کد ملی ۰۹۳۰۸۷۲۸۳۵
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو دنا خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۶
به شماره پلاک ۱۰ایران ۲۲۴ط۳۶
شماره شاسی NAAW۰۱HE۸HE۴۷۸۰۴۴
شماره موتور ۱۴۷H۰۳۵۲۲۲۷
به نام **احمد عباسی** با کدملی ۵۳۸۹۳۹۳۷۴۰
در ۱۴۰۵/۰۳/۰۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۶۰۰۱۰۰۵۸۳۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۳ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم پریسا خانمرادیان فرزند بخشعلی بشماره شناسنامه ۳۳۱۰۱۸۶۴۱۵ کد ملی ۳۳۱۰۱۸۶۴۱۵ صادره از هرسین مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۶۳.۸۱ متر مربع در محدوده ثبتی قسمتی از قطعه ششم از پلاک ۵۲ فرعی از ۱۴۰ اصلی واقع در بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک خریداری از مالک رسمی آقای علیمراد محبی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۳۴۴۹/م الف/۱۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹
آیت اله زارع - رئیس ثبت اسناد واملاک ۳۸۵۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فردیس
تاریخ : ۱۴۰۵/۰۵/۲۵
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۱۰۰۰۵۱۰۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فردیس تصرفات مالکانه بالا معارض متقاضی آقای ابوالفضل توکلی فرزند حسین بشماره شناسنامه ۹۰۹ صادره از نور ششدانگ یک قطعه زمین بابنای احداثی به مساحت ۱۴۸/۴۰ متر مربع از پلاک ۶۲۵۱ فرعی از ۱۶۳ اصلیواقع در فردیس شهرک منظریه بلوار بهار آزادی بن بست سوم پلاک ۱۷۴ خریداری از مالک رسمی آقای خاتم عزیز خوش نشین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
رئیس ثبت اسناد و املاک فردیس
مهتاب هاشمی ۳۵۴۵